

شماره جلسه: ۸ موضوع عام: تفسیر سوره مبارکه توبه	درس: تفسیر آیت الله نجفی (مدّ ظلّه) مقرّر: مصطفی اله دادی دستجردی موضوع خاص: آیه ۸	تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ سه شنبه موضوع اخص:
--	--	---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ

چگونه [مشرکان بر پیمان خود پای بندند؟] در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوند] خویشاوندی را در حقّ شما رعایت می‌کنند، نه پیمانی را!! شما را با زیان‌شان خشنود می‌کنند، ولی دل‌هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان بدکار و نافرمان‌اند. (۸)

بیان کلی آیه

این آیه تأکیدی بر عدم التزام بیشتر مشرکان بر پیمانهای و قراردادهایشان است و می‌فرماید که آنها صرفاً در ظاهر و در زبان با شما همراهند و قلباً منکر آنند و در صورتی که بر شما مسلمانان مسلط شوند حتی کوچکترین حق از شما را رعایت نمی‌کنند.

اعراب آیه

"كَيْفَ" حال، منصوب "وَإِنْ" (و) حالیه / حرف شرط جازم "يَظْهَرُوا" فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل "عَلَيْكُمْ" حرف جر و اسم بعد از آن مجرور "لَا" حرف نفی غیر عامل "يَرْقُبُوا" فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل "فِيكُمْ" حرف جر و اسم

بعد از آن مجرور "إِلَّا" مفعول به، منصوب "وَلَا" (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل "ذِمَّةٌ" معطوف تابع "يُرْضُونَكُمْ" فعل مضارع، مرفوع به ثبوت (نون) / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (كُم) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به "بِأَفْوَهِهِمْ" حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (هم) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه "وَتَأْتِي" (و) حالیه / فعل مضارع، مرفوع "قُلُوبُهُمْ" فاعل، مرفوع / (هم) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه "وَأَكْثَرُهُمْ" (و) حرف عطف / مبتدا، مرفوع / (هم) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه "فَاسِقُونَ" خبر، مرفوع.

تفسیر

خداوند در ابتدا به صراحت و استفهامی انکاری می فرماید: كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً؛ چگونه تعهدشان مورد اعتماد خواهد بود در حالی که اگر بر شما پیروز و حاکم شوند در حق شما نه خویشاوندی را مراعات می کنند و نه معاهده ای را؟!

ظهور (در: إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ...) همان برتری به نحو غلبه بر دیگری است و به معنای سلطه یافتن می آید. کلمه "إِلَّا" همان عهد و پیمان و جوار و همسایگی است و به معنای خویشاوندی و قرابت نیز می آید. ذمه نیز به معنای متعهد شدن و به گردن گرفتن می آید.

بنابراین خداوند می فرماید: چگونه ممکن است عهد و پیمان آنها را محترم شمرد در حالی که اگر آنها بر شما غالب شوند هیچ گاه نه مراعات خویشاوندی با شما را می کنند و نه پیمان را.

در ادامه خداوند وعده های آنها را فقط لفاظی و چرب زبانی می شمارد و می فرماید: يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَتَأْتِي قُلُوبُهُمْ شما را با زبانشان خشنود می کنند، ولی دلهایشان از خشنود کردن شما امتناع دارد.

در پایان آیه خداوند پرده از فسق اجتماعی آنان برداشته و از روی انصاف نیز می فرماید: وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ بیشتر مشرکان که پایبندی به عهد و پیمان ندارند در نزد عقلاء و عرف مردم به عنوان انسانهایی فاسق و عهد شکن که مستحق مذمت هستند شمرده می شوند.

قابل ذکر است که مراد از فسق در اینجا به معنای شرعی آن یعنی کسی که از امر الهی خارج شده و گناه
علنی نموده نیست بلکه به معنای عرفی و اجتماعی آن است به گونه‌ای که مردم و عقلاء پیمان شکنی و
نقض عهد را مذموم می‌دانند و فاعل آنرا سرزنش و عتاب می‌کنند.